پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۸، بهار و تابستان ۱۴۰۰
صص ۲۷۱ـ۲۴۹ (مقاله پژوهشی)

No. 28, Spring & Saummer 2021

نکاح متعه، تاثیر و شرایط قرآنی، روائی آن در بهزیستی روانشناختی

عبدالحمید نوردی[۱]، ابوالقاسم عاصی مذنب[۲]، احمد صادقیان[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۲/۱۲ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۱۲/۴)

چکیده

خداوند، نکاح دائم را نسبت به نکاح متعه در اولویت قرار داده است. هرچند، مشروعیت نکاح متعه، راهکاری برای جلوگیری از برخی ناهنجارهای روانی و اجتماعی می‌باشد؛ که با هدف نقش مثبت و منفی آن در بهزیستی روانشناختی و با احصاء آن مؤلفه‌ها، از تحقیقات ریف و سلیگمن و براساس ویژگیهای بومی جامعه ایرانی مورد بررسی قرار گرفت؛ و با استفاده از روش‌های توصیفی ـ تحلیلی و بر پایهٔ مطالعات کتابخانه‌ای و با تکیه بر تفسیر آیهٔ ۲۴ سوره نساء و روایات معصومان (علیهم‌السلام) و اتصاف آن در احکام خمسه، نکاح متعه در مؤلفه‌های معنویت، رضایت، شادی، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران و پذیرش خود، نقش مثبتی در بهزیستی روانشناختی دارا است. ولی نکاح متعه‌ای که مشکلات روانی و تهدید نظام خانواده را بدنبال دارد؛ نقش منفی آن در بهزیستی روانشناختی مطرح می‌باشد.

کلید واژه‌ها: قرآن، روایت، نکاح دائم، نکاح متعه، بهزیستی روانشناختی

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
abdolhamid.navardi@gmail.com
۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)،
mozneb1@iauyazd.Ac.ir
۳. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران؛
Ahmadsadeghian13@yahoo.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

۱ـ بیان مسأله

نکاح از سنت‌های ارزشمند اسلامی است؛ هرچند از مستحبات می‌باشد؛ ولی گاهی به دلیل حفظ از گناه و معصیت امری واجب تلقی می‌گردد. نکاح متعه در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) تشریع شده و مورد اتفاق فریقین می‌باشد؛ ولی در زمان خلیفهٔ دوم ممنوع گردید.

امامان معصوم (علیهم‌السلام) به دلیل منع حکومتی از ناحیه‌ی خلیفه دوم، با حکم تحریم آن مبارزه نمودند، چون منع مطلق آن توجیه شرعی نداشت. فقهای شیعه به تبعیت از معصومان تأکید بر استحباب نکاح متعه دارند. بدون شک، نقش و جایگاه ازدواج در جلوگیری از فساد و فحشاء و تأمین سلامت جامعه از بیماریهای جسمی و روانی و تقویت پایه‌های ایمان و... آن چنان مهم است، که در روایات معصومان (علیهم‌السلام) علّت تشریع نکاح متعه، جلوگیری افراد از ابتلاء به گناه، لذت بردن حلال و آسایش مؤمنان و رحمت خداوند برای آنان منظور شده است.

حکم اولیهٔ نکاح متعه از نظر اسلام، اباحه است، ولی در روایات به عنوان حکم ثانویه یعنی به قصد احیای سنت متروکه اسلام به آن اشاره شده است که مستحب مؤکّد می‌باشد؛ و به نظر می‌رسد یکی از بهترین راه‌حل‌ها برای مسئله بحران جنسی جوانان و زنان بی سرپرست است. در عین حال ائمه (علیهم‌السلام) در روایاتی، شرایط و قیودی برای آن مشخص کرده‌اند، که علاوه بر تأمین سلامت روانی افراد جامعه، از شهوت‌رانی و افراط‌گرایی و بدبینی نسبت به دستورات قرآنی و روائی جلوگیری می‌نماید.

آن‌چه در این بحث لازم است بیان شود، نقش آن در بهزیستی روانشناختی و تأثیر بر روند مثبت و منفی سلامت روان است. که با توجه به تبیین شرایط و قیود و رفع ابهام از نکاح متعه می‌توان به سوء استفاده‌ها و سوء برداشت‌هایی که نسبت به این حکم الهی می‌شود؛ پاسخ داد. در این مقاله نقش نکاح متعه در مؤلفه‌های معنویت، رضایت، شادی، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران و پذیرش خود مورد بررسی قرار گرفته و آسیب‌های آن‌که نقش منفی را در بهزیستی روانشناختی بدنبال می‌آورد؛ نیز مورد تحلیل و تبیین قرار می‌گیرد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

۲ـ مقدمه

نکاح متعه، یکی از احکام مسلّم فقهی است؛ که مشروعیت آن در عصر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) مورد قبول همه مسلمانان بوده؛ بدیهی است این حکم شرعی نیز همانند همه احکام الهی بر پایه حکمت و فلسفه‌ای واقعی استوار است، لکن تبیین و تعریف این حکمت تأثیر زیادی در پذیرش عمومی این حکم الهی خواهد داشت. لذا یکی از احکام اختصاصی فقه جعفری، جواز عقد انقطاعی متعه است که مشروعیت آن به حکم کتاب، سنت، اجماع و عقل، از ضروریات فقه شیعه است.

این قانون اسلامی یک حکم کاملاً مترقی و اصلاحی است، و چنان‌چه به طور صحیح و با تمام شرایط و قیود آن اجرا گردد، عامل بسیار مؤثری برای ریشه کن کردن فحشا و انحرافات جنسی است.

«قانون مدنی ایران، برگرفته از فقه جعفری است، و جزء یکی از کشورهایی است؛ که در خصوص این حکم قرآنی، در قانون مدنی خود تصریح کرده است، به طوری که نکاح دائم و نکاح متعه در اکثر احکام با یکدیگر مشترکند، بجز آثار و احکامی چند از نظر مهر و نفقه و شرایط. با امعان نظر در شرایط و احکامی که میان نکاح دائم و منقطع متفاوت است، این نکته بدست می‌آید که در نکاح متعه از لحاظ امکان پیش‌بینی شرایط، آزادی بیشتری وجود دارد» (محقق داماد، ۲۱۲).

شاید براساس همین نیاز عمومی بوده است، که حتی در نظریات بعضی از دانشمندان غربی هم راه‌حل‌های حقوقی برای برون رفت از این معضلات اجتماعی و فردی پیشنهاد شده است؛ مثلاً راسل، دانشمند انگلیسی برای جوانانی که در فاصله بلوغ و ازدواج در پی تخصص و پیدا کردن کار هستند؛ یک نوع ازدواج عقیم و بدون اولاد و خرج، را توصیه می‌کند؛ و می‌گوید: «راه صحیح برای حل مشکل این است؛ که قوانین مدنی در این بخش از عمر، یک نوع ازدواجی را برای دختران و پسران روا دارند؛ که موجب تحمیل نفقه نباشد؛ و ازدواج بدون اولاد نامیده شود» (قرشی، ۳۳۸/۲).

لازم به ذکر است، که در این مقوله علماء و فقهای شیعه و مفسران، کتاب‌ها و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

رساله‌های متعددی را تألیف کرده‌اند، از جمله، رساله متعـه (ازدواج موقـت) شـیخ مفیـد و کتاب الخلاف فی الفقه شیخ طوسی، شرح لمعه شهید ثانی و کتاب ارشـاد الاذهـان علامـه حلی و شرایع الاسلام محقق حلی که در کتابهای یاد شده فصلی به نکاح متعه و احکـام آن اختصاص یافته و علاوه بر آن مقالاتی در این زمینه به رشته تحریر درآمـده اسـت. و هـر کدام از آنها از یک نگاه و زاویه، نقش نکاح متعه را مورد بررسی قرار داده‌اند. ولی در ایـن مقاله به نکاح متعه و نقش قرآنی، روایی آن در بهزیسـتی روانشـناختی پرداختـه اسـت، و جایگاه واقعی آن را به عنوان یک تحقیـق میـان رشـته‌ای و براسـاس دیـدگاه مفسـران و روایات وارده، مشخص می‌سازد.

این تحقیق، از نوع نظری و از روش‌های استدلالی و تحلیل عقلانی استفاده می‌شود؛ و بـر پایه مطالعات کتابخانه‌ای استوار است. با هدف نقش مثبت و منفـی نکـاح متعـه در بهزیسـتی روانشناختی انجام می‌گیرد؛ بنابراین نکاح متعه در حوزه‌های جامعه شناختی، فقهی، تفسـیری و روائی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است، و در واقع در حوزهٔ بهزیسـتی روانشـناختی خلائی احساس شد؛ و تا کنون نقش نکاح متعه در بهزیستی روانشناختی مـورد تحقیـق قـرار نگرفته است، که جنبهٔ نوآوری و جدید بودن آن را می‌رساند.

۲-۱. مفاهیم

۲-۱-۱. معنای لغوی متعه

متعه از ریشه متع و «اصل صحیح یدل علی منفعة و امتداد مدّة فی خیر، منـه اسـتمتعت بالشیء، و المتعة و المتاع: المنفعه» (مصطفوی، ۱۳/۱۱).

متعه از ریشه متع و «المُتوع: الامتداد و الارتفاع، گویند: متع النّهار و متع النبات یعنـی روز بلند شد و علف بلند گردید و متاع به معنی انتفاع ممتد الوقت است» (راغب اصفهانی، ۷۵۷).

در مجمع البحرین و قاموس قرآن ذیل آیهٔ «**وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ**» (البقرة، ۳۶) آمده است: «أی انتفاع یعیش إلی انقضاء حالکم و المتاع: المنفعه، و کل ما ینتفع

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

به کالطعام البر و اَثاث البیت، متاع، تمتع، متعه و تلذذ متقارب المعنی‌اند و هرچه از آن لذت بردی متاع است. علی هذا متاع هم مصدر است و هم اسم و هرچه از مال دنیا مـورد بهـره قرار گیرد متاع است» (طریحی، ۳۸۹/۴؛ قرشی، ۲۲۶/۶).

در معنای لغوی متعه در کتاب العین آمده است: «متع النهار متوعا، و ذلک قبل الـزوال و متع الضحی، إذا بلغ غایته عند الضحی الاکبر، و مند ما یتمتع به الانسـان فـی حوائجـه مـن أمتعه البیت و نحو من کل شی و الدنیا متاع الغرور، و کل شی تمتعت به فهـو متـاع، تقـول: إنّما العیش متاع أیام ثم یزول، أی بقاء ایام» (فراهیدی، ۸۳/۲).

۲-۱-۲. معنای اصطلاحی متعه

متعه، نکاحی است، که همه ارکان عقد دائم و آثار آن را داراست و فرق آن با عقد دائـم در ذکر مدت و بعضی از احکام مانند عدم نفقه و ارث و مانند آن می‌باشد و نکاح متعـه در اصطلاح فقهی (متعه) و در عرف (ازدواج موقت) یا (صیغه) نامیده می‌شود.

خداوند در آیهٔ ۲۴ سورهٔ نساء در خصوص نکاح متعه مـی‌فرمایـد: «**وَالْمُحْصَـنَاتُ مِـنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِـأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَـةً وَلَـا جُنَـاحَ عَلَـيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا**» (النساء، ۲۴).

ابن اثیر در نهایه ذیل لغت متاع و ذیل آیهٔ ۲۴ سورهٔ نساء چنین گفته است: «ما در فَمَـا اِسْتَمْتَعْتُمْ موصول و ضمیر به راجع به آن است، یعنی زنی از زنان، که مـورد اسـتمتاع شـما واقع گردید؛ اجرت آنها را بطور معین بدهید» (ابن‌اثیر، ۲۹۲/۴).

حقیقت نکاح متعه عبارت است؛ از پیمان طرفینی مرد و زن بـر ازدواج موقـت، برپایـه مدت مشخص و مهر معلوم. فقها می‌گویند: «باید این پیمان و عقـد بـا الفـاظ واضـح مثـل «زوجتک» یا «متعتک» یا «انکحـت» از سـوی زن بـر زبـان آورده شـود، و تعـابیری مثـل «ملکتک»، «وهبتک» و «اَجرتک نفسی» جایز نیست. قبول از طرف مرد نیز با الفاظ روشـن

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

صورت می‌پذیرد؛ که بیانگر رضایت اوست در برابر آن‌چه زن در عقد و مهر و مدت، مقـرر می‌دارد؛ و صحیح‌تر آن است که به هر کلمه واضحی اظهار عقد کند و بهتـر اسـت؛ کـه بـه صیغه ماضی باشد؛ خواه به زبان عربی و خواه به زبان غیر عربی، ولی بـه هـر حـال بایـد بیان‌کننده عقد باشد» (مدرسی، ۱۶۶).

طبرسی معتقد است: «یکی از نشانه‌هایی که لفظ استمتاع در آیهٔ ۲۴ سورهٔ نساء بر نکاح منقطع دلالت دارد؛ این است؛ که در آیه شریفه حکم شده «**فَـآتُوهُنَّ أُجُـورَهُنَّ**» یعنـی تمـام مهرشان را به طرف عقد بپردازید، در حالی‌که در نکـاح دائـم، در صـورت طـلاق قبـل از دخول، تنها نصف مهر لازم و نه تمام آن و تنها در نکاح منقطع است؛ که به طرف عقد تمام مهر واجب می‌شود» (طبرسی، ۵۲/۳).

ابن زهره در کتاب النکاح مطرح می‌کند: «بعضی از لفظ استمتاع که در عرف بـه معنـای نکاح منقطع است، چنین استفاده کرده‌اند که بنای شارع بر این بـوده اسـت، کـه احکـام را مطابق فهم متعارف مردم بیان کند؛ و در صورت عدم قرینه برخلاف، برای فهم الفاظ شرعی مثل بیع، ربا و... . معنای عرفی متشرعه معیار است، از این رو لفظ اسـتمتاع نیـز بایـد بـر معنای عرف شرعی حمل گردد» (ابن زهره، ۲۸۳/۱۸).

۲ـ۲. جایگاه متعه در اسلام

نکاح متعه از سوی اسلام به عنوان، یک راهکـار مناسـب، بـرای پیشـگیری از برخـی مفاسد اجتماعی معرفی شده؛ و یک ضرورت اجتماعی و موقت تشریع شـده اسـت، تـا از فساد و فحشاء، زنا، لواط و خودارضائی و همچنین از ناپاکی، آلودگی و هرزگی جلوگیری گردد؛ تا نظم و آرامش روانی مردان و زنان را مهیا سازد، و شعلهٔ شهوت را خاموش کند.

«و در صدر اسلام و در جنگ‌های بین مسلمانان و مشرکین، نکاح متعـه بـا کنیـزان، از روی اضطرار و ناچاری توصیه شده تا کـانون خـانواده از هـم پاشـیده نشـود» (مدرسـی، ۵۴/۲). حازمی از علمای جهان اسلام مطرح کرده است: «پیامبر(ص) برای مردمـی کـه در وطن خود بودند، همسری موقت را اجازه نفرموده است» (عاملی، ۳۸/۲).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

بنابراین فلسفه و جایگاه متعه در اسلام، براساس اضطرار و نیاز واقعی یک مرد و زن است؛ و خداوند چنانچه اباحه نکاح متعه را ابلاغ می‌کند؛ جنبهٔ انسانی وجود کنیزان را از نظر دور نکرده است، و بهره‌مندی از کنیزان را از باب پارسایی و نه از روی زنا می‌داند. «براساس روایات؛ فلسفه نکاح متعه با اتصاف به احکام خمسه و براساس شرایط زمانی و مکانی تشریع شده است، که البته در بعضی از موارد که ازدواج دائم به عنوان حکم ثانوی واجب می‌شود، مانند: ترس از افتادن در ورطه معصیت، صیغه نیز برای کسانی که توانایی ازدواج دائم را ندارند، واجب خواهد شد.» (هاشمی، ۱۰۷).

و چنانچه تحت ضوابط و مقررات خاص برای مردم تبیین و فرهنگ سازی گردد، بی شک روابط نامشروع و بی‌بندباری‌های جنسی و بیماری‌های عفونی و جسمی و روانی، به طور چشمگیری کاهش پیدا خواهد کرد. البته، همین حکم مشروع براساس روایات ائمه (علیهم‌السلام)، در پاره ای اوقات که کانون خانواده را مورد تهدید قرار می‌دهد و آسیب جدی به همسر و کودکان وارد می‌سازد، جنبهٔ حرمت پیدا می‌کند، و دقت در سیرهٔ امامان معصوم (علیهم‌السلام) همه ما را به این نتیجه می‌رساند؛ که ایشان از نکاح متعه به عنوان یک راه کار عمومی و حکم اولیه استفاده ننموده‌اند.

۲ـ۳. بهزیستی روانشناختی و مؤلفه‌های آن

امروزه در روانشناسی در مقابل توجه و تمرکز سنتی، دیدگاه جدیدی در علوم وابسته به‌سلامت به طور اعم و در روانشناسی به‌طور اخص در حال گسترش است. در این دیدگاه و رویکرد علمی، تمرکز بر روی سلامتی و بهزیستی از جنبه مثبت و نیز توضیح و تبیین ماهیت روانشناختی بهزیستی است. بهزیستی روانشناختی مستلزم درک چالشهای وجودی زندگی است. رویکرد بهزیستی روانشناختی رشد و تحول مشاهده شده در برابر چالشهای وجودی زندگی را بررسی می‌کند و به شدت بر توسعه انسانی تأکید دارد.

در واقع یکی از مفاهیم اساسی الگوی سلامت، بهزیستی است، و یکی از رویکردهای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

اصلی بهزیستی، مبتنی بر لذت‌گرایی می‌باشد. و بر این باور است که بهزیستی به معنی به حداکثر رساندن لذت و به حداقل رساندن درد است.

«بهزیستی روانشناختی، تلاش در جهت تحقق توانایی‌های بالقوه واقعی فرد است، کارول ریف بهزیستی روانشناختی را شامل ابعاد پذیرش خود، هدفمندی در زندگی، رشد شخصی، داشتن ارتباط مثبت با دیگران، تسلط بر محیط و خود مختاری می‌داند و آن را نشان دهنده دستیابی شخص به قابلیت‌های کامل روانی می‌داند» (رنجبر، ۲۲).

«بهزیستی روانشناختی بیشتر نشان دهنده معیارهای فردی و خصوصی برای ارزیابی عملکرد فرد است؛ در حالی‌که عملکرد مثبت شامل چالش‌ها و تکالیف اجتماعی نیز است و اینکه افراد چگونه در زندگی اجتماعی خود به عنوان عضو جامعه بزرگتر عمل می‌کنند. از این دیدگاه، بهزیستی اجتماعی شامل ابعاد انسجام، شکوفایی، همبستگی، پذیرش و در نهایت مشارکت اجتماعی است. دو بهزیستی روانشناختی و اجتماعی، بهزیستی فضیلت‌گرایانه را تشکیل می‌دهند» (صفاری‌نیا، ۴۸۳).

بنابراین روانشناسی مثبت در مقابل دید منفی که به دنبال آن مسائل و مشکلاتی از قبیل افسردگی، استرس، اضطراب، افکار خودکشی، مشکلات و بیماری‌های روانشناختی است؛ قرار دارد، و این رویکرد به دنبال افزایش و بهبود بهزیستی، کیفیت زندگی و شادکامی می‌باشد. هم اکنون مؤلفه‌های مثبت روانشناختی به نمونه‌ای از توانایی‌های انسان اشاره دارد که موضوع اصلی روانشناسی مثبت‌نگر را تشکیل می‌دهد «خوشحالی، لذت، انعطاف‌پذیری، سرسختی، کنترل شخصی، خوش بینی، سبک‌بینی خوش‌بینانه، امید، احساس کارایی، تعیین هدف، معنی، عشق به دانستن، خرد، اصالت، بخشندگی، دلسوزی، همدلی، نوع دوستی، شوخ طبعی، معنویت» (سلیگمن، ۵۲).

در سال ۱۳۸۳ توسط زنجانی طبسی و با توجه به خصوصیات بومی جامعه ایرانی و با تلفیقی از مؤلفه‌های بهزیستی روانشناختی و بهزیستی ذهنی در جامعه ایرانی هنجاریابی شده است، بهزیستی روانشناختی براساس ویژگیهای بومی جامعه ایرانی عبارتند از:

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

«معنویت، رضایت از زندگی، شادی و خوشبختی، ارتباط مثبت با دیگران، رشد و بالندگی فردی، خودپیروی.» (احمدوند، ۶۱)

۳ـ ارتباط نکاح متعه و بهزیستی روانشناختی

از حکم نکاح متعه در بیان و تفسیر و روایات متعدد ائمه اطهار (علیه‌السلام) و مشروعیت آن می‌توان برداشت کرد، که از نظر فقهی، حکم این نکاح متعه براساس مکان و شرایط خاص و مقتضیات زمانی، از حکمت خاص برخوردار و متغیر است و در ایامی برای فرد و جامعه واجب و مباح و مستحب و در موقعیتی، حکم بر کراهت و حتی حکم بر حرمت آن لازم شمرده‌اند؛ که می‌توان بر این اساس و بر طبق روایات، ارتباط آن را با مؤلفه‌های مثبت و منفی بهزیستی روانشناختی برقرار کرد؛ که در این تحقیق، یکی از اهداف مهم، مؤلفه‌های بهزیستی روانشناختی و نقش نکاح متعه بر این مؤلفه‌ها با به کارگیری سیره امام معصوم(علیهم‌السلام) ودیدگاه مفسران قرآن می‌باشد.

در ذیل به نقش و فلسفه نکاح متعه بر مبنای مؤلفه‌های بهزیستی روانشناختی بومی جامعه ایران، با مدل آقای زنجانی طبسی و بهره‌مندی از تحقیقات ردیف و سلیگمن می‌پردازیم:

۳-۱. معنویت

مذهب و معنویت بر سلامت جسمانی و روانی انسانها تأثیر بسزایی دارد؛ تا جایی که سازمان بهداشت جهانی، بعد معنوی را یکی از ارکان اصلی بهزیستی در کشورهای مختلف معرفی کرده است، لذا توجه نکردن به بعد معنوی و خودشناسی، می‌تواند مانع رشد و شکوفایی انسانها شود و سلامت روان آنها را نیز به مخاطره بیندازد.

بین بهزیستی روانشناختی و جنبه‌هایی از معنویت همپوشی وجود دارد؛ ولی اکثر روانشناسان حتی کسانی که در حوزه بهزیستی کار کرده‌اند، تا حدود زیادی بعد معنوی بهزیستی انسان را نادیده گرفته‌اند. تنها در سالهای اخیر در مورد اینکه مذهب و معنویت چگونه وجوه مختلف سلامت جسمانی و روانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تحقیقات وسیعی صورت گرفته است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

«چنین تحقیقاتی اهمیت مذهب و معنویت را به عنوان منبعی برای مقابله با وقایع تنش‌زای زندگی، روشن ساخته است» (پالانت، ۴۰). بنابراین معنویت به عقاید و اعمالی اشاره دارد که فرد را به وجودی مقدس و معنی‌دار، فراتر از خودش مرتبط می‌سازد. این عقاید و اعمال یک نوع ارتباط شخصی را با یک ذات متعالی و مطلق برقرار و حفظ نموده و به زندگی فرد معنی و هدف می‌بخشد.

ادیان الهی بر اساس اصول معنوی و اخلاقی، راهکارهایی را برای زندگی توسط اولیای حق تدوین نموده‌اند؛ که بسیاری از این دستورالعمل‌ها از ناحیهٔ وحی به آنها تفویض شده است؛ و از این باب نکاح متعه و تشریع آن، از سوی خداوند مشروعیت یافته و می‌تواند در ارتقای معنویت افراد مؤثر واقع شود.

حتی در اروپای قرون وسطی، نوعی از ازدواج‌های ساده وجود داشته که در شرایطی خاص به آن متوسل می‌شدند، که دنیای غرب هم از این قضیه مستثنی نبوده است. و حتی در لغت‌نامه‌های آنان این پیشینه مشهود است، مثلاً در دایرةالمعارف بریتانیکا در توضیح واژه Concubinage (متعه‌گیری) می‌نویسد: «نوعی زندگی مشترک زناشویی است میان زن و مرد، که ناشی از ازدواج رسمی نیست؛ و این کلمه را مأخوذ از کلمه لاتین (Concubinu) که از دو جزء تشکیل شده است: con به معنای معیت با هم، cobare به معنای قرار گرفتن و بودن و زیستن است.» (میرخانی، ۲۱). «در میان ادیان الهی، اسلام هیچگاه پاسخگویی به نیازهای جنسی را منکر نشمرده و هیچ دینی به اندازهٔ آئین حیات بخش اسلام، بر نیازهای طبیعی بشر و برای آن برنامه‌های عملی نداشته است.» (ایمانی راد، ۱۸۸).

و لذا این ازدواج شرعی، در شمار راههای مقبول و سالم برای ارضای نیاز افرادی که در حالت اضطرار هستند؛ قرار داده شده است؛ به طوری‌که با انجام نکاح متعه و برآورده شدن نیازهای فرد، دوری از گناه حاصل می‌گردد. و هرگاه فرد از زنا و اعمال منافی عفت رهایی یابد؛ معنویت و رشد اخلاقی در وی تحکیم می‌گردد. در سیرهٔ امامان (علیهم‌السلام) و مفسران و فقها، زنا، مذمت شده و آن را عاملی جهت دوری از معنویت دانسته‌اند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

امام صادق (علیه‌السلام) به نقل از حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «لولا ما سبقنی به بنی الخطاب ما زنی الاشقی» (حر عاملی ۱۴؛ متقی هندی، ۱۴۸/۲). یعنی: اگر عمر از ازدواج موقت جلوگیری نمی کرد غیر از افراد تبهکار کسی زنا نمی کرد. لذا بر همهٔ افرادی که به نحوی با مسئله نکاح متعه سروکار دارند، لازم است نسبت به این امر؛ تأمل و ژرف‌نگری بیشتری داشته باشند. چنان که دقت در سیرهٔ امامان معصوم (علیهم‌السلام) ما را بر این کشف و قطع می‌رساند که برای طرح یک حکم، تمامی ابعاد آن مورد توجه قرار داده شود. تا جایی که مفسرین قرآن نیز به وضوح در خصوص ناراحتی‌های روحی ناشی از عدم ازدواج و شاید ارتکاب به اعمال زنا و لواط و... نیز در تفاسیر خود پرداخته‌اند.

مرحوم حسینی همدانی در انوار درخشان می‌گوید: «نکاح متعه جهت جلوگیری از رفتار منافی عفت و پیشگیری از هرزه گرایی مباح است» (حسینی همدانی، ۳۵/۴). همچنین مرحوم جرجانی در جلاء الاذهان می‌گوید: «نکاح متعه به منظور جلوگیری از زنا است و این آیت محکم و تا قیامت حکمش اجرا می‌شود و در اخبار نسخ آن، اخبار واحد و مضطرب است» (جرجانی، ۲۰۰/۲). «مرحوم گنابادی در تفسیر بیان السعاده، ضمن اینکه رضایت طرفین در نکاح متعه شرط می‌داند، آن را بر بعضی از انسانها، جهت جلوگیری از زنا و فساد واجب می‌داند» (گنابادی، ۳۸/۴).

۳-۲. رضایت از زندگی

یکی از شاخص‌های بهداشت روان میزان رضایت از زندگی در افراد است. و رضایت از زندگی همچنین با روابط بین فردی و معنی‌دار بودن زندگی قابل تبیین است.

«افراد در صورتی که از بهزیستی روانشناختی بالایی برخوردار باشند، تجربه‌های خوشایند بیشتری را ادراک می‌کنند و کمتر از عواطف ناخوشایند رنج می‌برند. به‌طورکلی بین بهزیستی روانشناختی با افزایش کیفیت زندگی، افزایش میزان رضایت‌مندی از زندگی و امیدواری ارتباط مثبت وجود دارد.» (ستوده، ۱۶۴).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

«امید و معنویت در یک سطح نظری همپوشانی دارند و نویسندگان متعددی برای مفهوم واژه‌ی معنویت، سازه امید را بکار برده‌اند» (هاروی، ۳۱۴). طبق تعریف ریک اسنایدر، امید عبارت است از: توانایی طراحی گذرگاه‌هایی به سوی هدف‌های مطلوب به‌رغم موانع موجود و کارگزار انگیزش برای استفاده از این گذرگاه‌ها.

رضایت از زندگی، بازتاب توان میان آرزوهای شخص و وضعیت فعلی او می‌باشد که هرچه شکاف میان آرزوهای فرد و وضعیت عینی وی بیشتر شود، رضایت‌مندی او کاهش می‌یابد.

با توجه به نقش امید و رضایت از زندگی ضعف هر کدام از این دو مؤلفه روانشناسی، می‌تواند، زندگی انسانها را در معرض خطر قرار دهد؛ بخصوص جوانان و زنان بی سرپرست که به صورت تنها زندگی می‌کنند و فشارها و سایر استرس‌های زندگی نیز بر آنها وارد می‌گردد؛ و لذا در ایامی که جوانان به دلیل مشکلات زندگی و مسائل اقتصادی و ادامه تحصیل ازدواج دائم برایشان میسر نیست، با انجام نکاح متعه امید و رضایت به زندگی خود تزریق کرده و همچنین آنها می‌توانند با اتکاء به آن، تجربیات زیادی کسب کنند و در هنگام ازدواج دائم و جهت قدرت و استحکام نظام خانوادگی بکوشند. همچنین ازدواج موقت شامل زنان بی‌سرپرستی می‌شود که توان تأمین معیشت و زندگی خود را ندارند و لذا در نکاح متعه آثار و فواید زیادی نهفته است که نه تنها بر ضد مصالح خانواده نیست بلکه به زندگی زنان بی‌سرپرست امید می‌دهد و رضایت از زندگی آنها را ارتقاء می‌بخشد.

حضرت آیت‌الله مکارم در تفسیر نمونه آورده‌اند: «نکاح موقت یک ضرورت اجتماعی بوده و این موضوع را نمی‌توان منکر شد، که غریزهٔ جنسی یکی از نیرومندترین غرایز انسانی است، تا آنجا که پاره‌ای از روانشناسان آن را تنها غریزهٔ اصیل انسان می‌دانند و تمام غرایز دیگر را به آن بازمی‌گردانند، و لذا با طولانی شدن دورهٔ تحصیل جوانان و مسائل پیچیدهٔ زندگی اجتماعی، و اینکه کمتر جوانی می‌تواند در سنین پایین یعنی در داغ‌ترین دوران غریزهٔ جنسی اقدام به ازدواج کند؛ بهترین راه‌حل، انجام نکاح متعه است» (مکارم شیرازی، ۳۸۹/۱).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

در بحث رضایت از زندگی، خاطر نشان می‌شود کـه رضـایت خـدا در رضـایت خلـق خداست؛ و یکی از اموری که در مواقع اضطرار و نیاز واجب می‌گردد، نکاح متعه است؛ که در این موقعیت رضایت خدا را نیز در بردارد، همانگونه که در روایت امام باقر آمده است:

صالح بن عقبه به نقل از پدرش از امام باقر (علیه‌السلام) درباره ثواب و پاداش و رضـایت خدا در ازدواج موقت روایت می‌کند: که خدمت امام باقر (علیه‌السلام) عرض کردم: آیا بـرای کسی که ازدواج موقت کند ثواب و پاداشی وجود دارد؟ حضرت (علیه‌السلام) فرمود: اگر بـه واسطه این امر رضایت خدا و مخالفت با منکران ازدواج موقت را اراده کنـد هـیچ حرفـی نمی‌گوید، مگر اینکه خداوند برای وی حسنه می‌نویسـد و دسـت خـود را سـوی آن «زن» دراز نمی‌کند، مگر اینکه از طرف خداوند برای وی حسنه می‌نویسد و هرگاه با آن نزدیکـی نماید با این امر، خداوند گناهان او را می‌بخشد و هرگاه غسل کند خداوند به اندازه موهایی که آب بر آن می‌ریزد گناهایش را می‌آمرزد. عرض کردم به عدد موهای بدن او؟ حضـرت فرمود به عدد موهای او. (حر عاملی، ۳۴۲/۱۴)

۳-۳. شادی و خوشبختی

یکی دیگر از مؤلفه‌های مؤثر در بهزیستی روانشناختی انسان، «شادی» است. شادی بـه عنوان یک احساس رضایت و خرسندی تعریف می‌شود و هنگامی ایجاد می‌گردد که همـهٔ نیازهای جسمانی، روانشناختی، عقلی و معنوی فرد ارضاء شده باشد. شادی داشتن هـدف و معنا در زندگی است. تعریف دیگر شادی بـه غلبـه و تسـلط عاطفـه منفـی و احسـاس رضایت از زندگی اشاره دارد. «افراد شاد خوش بین‌اند، از عزت نفس بالایی برخوردارنـد، احساس کنترل شخصی بیشتری را در خورد احساس می‌نمایند، در ارتباط و همکـاری بـا دیگران توانمندند و با استرس مقابله بیشتری می‌کنند» (کرمی نوری، ۱۲۳).

دو نوع شادی، یک) لذت یا خوشی گذرا (شادی کوتاه‌مدت)، دو) رضـایت از زنـدگی مداوم (شادی درازمدت)، «سگرستروم بدین‌گونه بین شادی کوتاه‌مدت و درازمدت تفـاوت

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

قائل می‌شود که: شادی و رضایت از زندگی درازمدت یک احساس بادوام و پایاست. این حالت با این احساس همراه است که زندگی شخص خوب بوده و به آرمانها و ایده هایش نزدیک است. در حالی‌که شادی گذرا یا کوتاه مدت با هیجانهایی چون خرسندی، آرامش، نشاط، آسودگی و تهییج همراه است» (سگرستروم، ۶۹).

هدفمندی، لازمه داشتن یک زندگی ایده آل است، مرحله نخست، داشتن هدف مشخص و تعیین مسیر می‌باشد؛ چرا که بی‌هدف بودن، انسان را دچار روزمرگی می‌کند، اما داشتن هدف برنامه‌ریزی را در پی دارد و داشتن برنامه، هدف‌ها را محقق می‌سازد و در نهایت برنامه‌ریزی صحیح، موفقیت می‌آفریند. همچنین داشتن درک روشنی از هدف در زندگی، احساس جهت‌یابی و هدفمندی پایه سلامت روانی به شمار می‌رود. این مقیاس نیز به کمک ویژگیهایی مانند احساس هدفمندی و جهت‌یابی در زندگی و تجربه احساس معنا در زندگی گذشته و حال مشخص می‌شود. «وجود هدف در زندگی به طور مثبت با رضایت از زندگی و شادی و خوشبختی رابطه دارد.» (استیگر، ۱۳۷؛ پرونک، ۵۰۲).

«کارول ریف در اواخر دهه ۱۹۸۰ خاطر نشان کرد، که شادی صرفاً با تجربه احساسات مثبت همراه نیست، بلکه بیشتر با روابط مثبت و هدف و معنا در زندگی در ارتباط است. از این دیدگاه، بهزیستی به معنای عملکرد خوب در زندگی است. بنابراین، شادی در دیدگاه فضیلت‌گرایی در دو سطح فردی و اجتماعی مطرح می‌گردد. در سطح فردی با رشد شخص و تحقق پتانسیل‌های واقعی فرد و در سطح اجتماعی با تعهد به اهداف و ارزش‌های مشترک مرتبط است» (لوپانو پروگینی، ۹۳).

با عنایت به تعاریف فوق در بعد مؤلفه‌های روانشناختی، بدون شک، نقش و جایگاه ازدواج دائم در شادی و خوشبختی و تأمین سلامت فردی و اجتماعی و تقویت پایه‌های ایمان و معنویت آن‌چنان مهم است؛ که در روایات اهل‌بیت (علیهم‌السلام) آمده است؛ و همچنین علت تشریع ازدواج موقت، نیز جهت لذت بردن حلال و شادی و خوشبختی و رحمت خداوند برای آنان ذکر شده است.

بنابراین نکاح متعه فی‌نفسه امری مباح است و با عناوین ثانوی و بالعرض ممکن است با

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

احکام خمسه دیگر متصف شود، چنانکه صاحب حدائق در مورد اصل ازدواج می‌فرماید: «اساساً ازدواج فی نفسه مستحب بوده، ولی به اعتبار مسائل جانبی ممکن است به احکام خمسه تقسیم شود» (بحرانی،۱۱/۲۳).

۳ـ٤. ارتباط مثبت با دیگران

یکی از مؤلفه‌های بهزیستی روانشناختی روابط مثبت با دیگران است. این بعد منطبق با مرحله ششم نظریهٔ اریکسون است، که آغاز بزرگسالی را پوشش می‌دهد؛ مرحله‌ای که اریکسون نام آن را همپوشی با دیگران در برابر انزواگزینی می‌نهد. «در این مرحله سرمایه‌گذاری در راه پیوند، همجوشی و صمیمیت با دیگران و خود را از خلال دیگران یافتن اهمیت زیادی دارد و استقرار فرد در یک موضع از مرحله دو قطبی اریکسون را مشخص می‌کند.» (منصور، ۵۳). «روابط مثبت با دیگران برای بهزیستی فرد مهم بوده و موجب می‌شود شادکامی و عملکرد بهتر در فرد افزایش یابد. همچنین روابط مثبت با دیگران، پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی است» (دینر، ۲۷۶).

در این راستا، زنان بی‌سرپرستی که به دلیل فوت، تصادف و یا طلاق، همسرشان را از دست دادند و زندگی سختی را طی می‌کنند، می‌توانند؛ با نکاح متعه و ارتباط مثبت با فرد دیگری موجب شادکامی خود را فراهم نموده و از تنهایی در بیایند. همچنین با عنایت به روش تفسیری از حکم خاص به حکم عام در تفسیر آیهٔ ۲۴ سورهٔ نساء، نکاح متعه، علاوه بر مردان در جنگ و زنان اسیر در جنگ، آنهایی که در سفرهای طولانی و به هر عنوانی از خانواده شان دور هستند؛ و در تنهایی بسر می‌برند، از این حکم بهره ببرند؛ چرا که خداوند آرامش درونی و روحی بندگانش را می‌خواهد. و نکاح متعه به منظور سرپرستی و تأمین مسائل مالی و معیشتی زنان اسیر و دوری مردان سپاه اسلام از همسرشان به دلیل حضور در جنگ می‌باشد. بطوری که مرحوم عاملی به نقل از طبرانی در تفسیر خود آورده است: «در اول اسلام هرکسی به شهری وارد می‌شد که از خود سرو سامانی نداشت به اندازه مدت توقف خودزنی را متعه می‌کرد که نیازمندی‌های او را انجام دهد» (عاملی، ۳۷۸/۲).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

مرحوم سیدمحمدتقی مدرسی در تفسیر هدایت می‌نویسد: «وقتی مرد مسافری که بـرای تحصیل و یا کار به شهر دیگری هم رفته و به موقعیت خاصی که دارد؛ نمی‌توانـد زن خـود را نزد خود ببرد می‌تواند ازدواج موقت داشته باشد» (مدرسی، ۵۲/۲). اسـلام رابطـه زن و مرد را فقط در مورد نکاح ملک یمین محدود کرده و برای کسانی که توانایی نکاح دائـم را ندارند نکاح متعه را تجویز کرده است؛ ولیکن این ارتباط می‌تواند، ویژگیهای مثبتی که ذکر شد؛ را برای فرد در برداشته باشد.

ابوبصیر می‌گوید: روزی خدمت امام صادق (علیه‌السلام) رسیدم، فرمود: «یا أبـا محمـد تمتعت منذ خرجت من أهلک بشی من النّساء؟ قلت: لا قال: ولم؟ قلت: ما معی مـن النفقـه یعصر عن ذلک، قال: فأمرلی بدینارٍ قال: أقسمت علیک ان مرت الی منزلـک حَتّـی تفعـل، قال: فعلـت.» (حرعـاملی، ۴۴۴/۱۴؛ مجلسـی، ۳۰۶/۱۰۰). ای ابومحمـد از روزی کـه از همسرت دور شده‌ای با زنی ازدواج موقت کرده‌ای؟ گفتم: نه، حضرت (علیه‌السلام) فرمـود: چرا؟ گفتم: مالی و پولی در اختیارم نبود که بتوانم ازدواج موقت کنم. حضرت (علیه‌السلام) امر کرد یک دینار برایم دادند و فرمود: سوگندت می‌دهم، همین کـه بـه اسـتراحتگاه خـود رفتی حتماً آن را انجام بده. من آنچه امام (علیه‌السلام) فرمود، انجام دادم.

۳ـ۵. رشد و بالندگی فردی

رشد شخصی، یعنی، افراد برای رسیدن به سطوح بالای عملکرد روانی، باید به صورت پیوسـته در جنبه‌های متفاوتی از زندگی رشد کنند؛ این موضوع بیانگر آن است که فرد بـه طـور مـداوم در کارها درگیر شود؛ و مشکلات را حل کند؛ تا به موجب آن توانایی‌هایش را گسترش دهد.

ازدواج خود عاملی است، که باعث رشد و بالندگی فردی مـی‌شـود و فرصـت‌هـایی را فراهم می‌آورد؛ که با تجرد هیچ وقت نمی‌توان به آن رسید. ازدواج بسـتری را بـرای افـراد فراهم می‌کند تا سریعتر به رشد برسند، و در واقع ازدواج موجب می‌شود که فـرد از تـوهم خودسازی بیرون بیاید؛ زیرا امتحانات جدید اخلاقی رخ می‌دهد کـه قـبلاً وجـود نداشـته

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

است. افراد در ازدواج یاد می‌گیرند، که به جای تأسف و حسرت گذشته خوردن، به آینده و حال فکر کنند و سعی می‌کنند به جای درجازدن یا عقب نشینی، موظفند سکان کشتی زندگی مشترک را با کمک همسرشان حفظ کنند.

و به طور کلی ازدواج باعث می‌شود، فرد توسط نهادهای اجتماعی راحت‌تر پذیرفته شود و به فرد هویت اجتماعی تأیید شده‌ای می‌دهد. بنابراین یک فرد مجرد شاید می‌تواند در یک جنبه از ابعاد وجودی، رشد کند، ولی فرد متأهل می‌تواند در همهٔ ابعاد به خصوص جنبه‌های اجتماعی رشد کند. لذا نکاح متعه که خود از انواع نکاح می‌باشد، می‌تواند در مواقعی که افراد نمی‌توانند به نکاح دائم بپردازند، مورد اهتمام قرار گیرد، بطوری‌که با انجام این عمل مشروع و بدون استرس موجب رشد و بالندگی جنبه‌های فردی مهیّا شود.

۳ـ۶. پذیرش خود

راجرز در سال ۱۹۵۹ نشان داد، پذیرش خود اشاره به رضایت از زندگی فرد دارد؛ که برای سلامت روان مهم است. «پذیرش خود نوعی بینش است، که باعث می‌شود، فرد در مورد نقاط ضعف و قوت خویشتن به آگاهی واقعی برسد» (ریف، ۱۲۷).

«دیویس و هویت در سال ۲۰۰۳ پذیرش خود، را به رسمیت شناختند و گفتند سطوح پایین‌تر پذیرش خود با سطوح بالاتری از مشکلات روانی همراه است» (نل، ۴۸). بنابراین می‌توان گفت: افراد با احساس بهزیستی بالا هیجانات مثبت را تجربه می‌کنند و از حوادث وقایع پیرامون خود ارزیابی مثبتی دارند؛ در حالی‌که افراد با احساس بهزیستی پایین حوادث زندگی‌شان را نامطلوب ارزیابی کرده، بیشتر هیجانات منفی نظیر اضطراب، افسردگی و خشم را تجربه می‌کنند.

با توجه به موارد فوق، پذیرش خود، یک تفکر و بینش مثبت در افراد است که باعث می‌شود واقع‌بینانه مسائل و مشکلات را در زندگی دنیوی درک کنند و آن را بپذیرند. این پذیرش به آنها کمک می‌کند، تا بتوانند در ابعاد دیگر تلاش کنند، و با اعتماد بنفس به کمال مطلوب دست پیدا کنند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

پذیرش نتیجهٔ یک بینش واقعی است، و اگرچه از یک بعد و زاویه افـراد بـا چـالش و مشکلاتی روبرو می‌گردند، ولیکن با تقویت و تحکیم در ابعاد دیگر می‌توانند رشد کننـد، و به دنبال آن سایر مؤلفه‌های بهزیستی روانشناختی از جمله رضایت در زنـدگی و شـادی و خوشبختی نیز تأمین گردد.

به عنوان مثال، افرادی هستند که دچار بیماری‌های روانی مانند اختلال دوقطبی هستند، این افراد در صورت ازدواج دائم با مشکلات عدیده ای در زندگی مشترک مواجه می‌شوند؛ و از طرفی نیروی غریزهٔ جنسی نیز در این افراد وجود دارد، و لذا با پـذیرش ایـن مشـکل این افراد می‌توانند، با توسل به نکاح متعه به ارضای غریزهٔ جنسی خود بپردازند.

یک مطالعه نشان داده است که خطر ابتلاء بیماری‌های قلبی و عروقـی در مـورد زنـان بیوه که امکان ازدواج دائم را ندارند زیاد است و این افـراد چنانچـه ازدواج دائـم برایشـان مهیّا نگردد، می‌توانند با نکاح متعه، سلامتی خود را تضمین کنند.

٤ـ آسیب شناسی روانشناختی نکاح متعه

خانواده سالم، اعضای سالم تـری بـه لحـاظ ویژگیهـای روانشـناختی تحویـل جامعـه می‌دهد؛ در مؤلفه‌های بهزیستی روانشناختی تحقیقات کارول ریـف و نیـز مطالعـات بـومی ایرانی توسط آقای زنجانی طبسی به نقش نکاح متعه پرداخته شده؛ و در مقابـل آن امکـان ایجاد مشکلاتی مانند طلاق و تنوع طلبی جنسی در مردان متأهل بدنبال این نکاح، وجـود دارد. «مطالعات انجام شده نشانگر آن است، که کارکرد سالم خانواده با کـاهش اختلافـات روانشناختی همچون افسردگی و اضطراب و افزایش بهزیستی مرتبط است» (وو، ۴۰۱).

مضرات و آسیب‌های نکاح متعه در افرادی که دارای همسر هستند، بـه شـکلی هویـدا می‌گردد، که کانون خـانواده را مـورد تهدیـد و فرزنـدان آن خـانواده را مـورد اسـترس و اضطراب قرار می‌دهد.

بنابراین نکاح متعه، در مردان متأهل، به تدریج باعث کاهش میل و تمایل به همسر دائمی به دلیل کاهش احساس نیاز می‌شود، که در یک آسیب‌شناسـی در خصـوص ایـن نکـاح، از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

سوی امامان (علیهم‌السلام) مورد انتقاد قرار گرفته است؛ و در بعضی از روایات وارده به کراهت نکاح متعه، اشاره شده و برخی موارد اصحاب، از این امر مباح، نهی شده‌اند.

و لذا حتی احتمال مقایسه همسر دائمی خود با همسران و زنان موقتی وجود دارد و این باعث نوعی احساس حقارت نسبت به همسر دائمی می‌گردد، که منجر به نارضایتی زناشویی خواهد شد؛ بطوری که از شیخ حرعاملی روایتی نقل شده است که «عن علی بن یقطین، قال: سألت أبا الحسن(ع) عن المتعه فقال: ما انت و ذاک قد أغناک الله عنها.» (حرعاملی، ۴۴۹/۱۴). یعنی: علی بن یقطین می‌گوید: در مورد وظیفه خودم درباره متعه از امام پرسیدم و امام فرمود: تو را به متعه چکار؟ خداوند تو را از این عمل بی‌نیاز کرده است.

لذا در بعضی از اوقات نکاح منقطع در مردان متأهل، موجب بارداری همسر موقت می‌گردد، و مشکلات عدیده‌ای در خصوص مسائل حقوقی، فسادهای روانی، استرس‌های شغلی و کاهش بهداشت روانی را بدنبال می‌آورد، و نظام خانواده را تهدید می‌کند، همچنین در بررسی‌های به عمل آمده، احتمال عدم پایبندی به تعهدات ازدواج دائم و وجود فشار و وسوسه غیرقابل مهار برای داشتن رابطه با جنس مخالف در خارج از چارچوب خانواده، که این وسوسه زمانی بیشتر می‌شود که مرد با رفتارهای انتقادی و به قول معروف غرزدن‌های همسرش مواجه می‌شود، و در این وضعیت فردی که تجارب رابطه با دیگری داشته باشد، سعی می‌کند به جای حل مسأله و جلب رضایت همسر به رابطه‌ای خارج از خانواده تن دهد، که از نظر اسلام این دوستی پنهانی محسوب و از نظر قرآن و اسلام مطرود می‌باشد؛ به طوری که آیهٔ ۲۵ سورهٔ نساء به مسئله أخدان اشاره کرده است، و أخدان به معنای دوست پنهانی تلقی می‌گردد؛ و از آسیب‌های زمان جاهلیت محسوب می‌شد.

لذا در شرایطی که نکاح منقطع نظام خانواده و فرزندان را را تهدید می‌کرده، امامان معصوم علیهم‌السلام به حرمت آن حکم می‌داده‌اند به عنوان نمونه کلینی از امام رضا (علیه‌السلام) نقل می‌نماید؛ که حضرت به برخی از اصحاب می‌نویسند: «از اصرار بر متعه امتناع کنید و سنت ازدواج را به پا دارید، با پرداختن به متعه از همسران خویش غافل نشوید تا آنان از دین خدا روی گردانند؛ و از دوستی ما منصرف شوند و بر پایه‌گذار این امر (متعه) معترض شوند و بر ما نفرین کنند» (کلینی، ۴۵۲/۵).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

از دسته عواملی که در آسیب شناسی این نکاح مورد بحث است، آن‌کـه در بسـیاری از مواقع، عدم اطمینان کامل به طرف مقابل و همسر صیغه‌ای به دلیـل تنـوع‌طلبـی جنسـی و احتمال به وجود آمدن مشکلاتی چون بیماری‌های عفونی و مقاربتی، ایدز، هپاتیت، کرونـا و... می‌رود و حتی ممکن است، موجب انتقال این بیماری‌ها و سرایت آن به همسـر دائمـی گردد، که خود باعث مشکلات بهداشتی گردد.

«تنوع طلبی جنسی در طول دوره زناشویی تأثیر مخربی دارد و همواره یکی از دلایل اصلی طلاق بوده است. از طرفی این تنوع طلبی‌ها موجب گسترش بیماری‌هایی مانند ایدز، هپاتیت یا بیماری‌هـای مقاربتی مقاوم به درمان در زوج و دیگر شریک‌های جنسی می‌شود» (سیورتسن، ۵۴۰).

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد؛ و به علت عدم پذیرش ایـن مسـئله از سـوی جامعـه و پنهانی بودن این‌گونه ازدواج، معمولاً با آسیب‌های روانی از قبیل اضطراب و ترس از فـاش شدن نکاح متعه، همراه است و از طرفی چون نکاح موقت، تعهد چنـدانی در طـرفین مثـل ازدواج دائم وجود ندارد، از نظر آرامش روحی و روانی، طرفین، در اضطراب قرار دارند.

لذا از دلایل این تمایل جنسی که در برخی پژوهش‌ها نیز مـدنظر قـرار گرفتـه اسـت: «مسائل مربوط به هیجان‌خواهی و اختلالات شخصیتی مانند اختلال شخصیت ضداجتماعی است. و در مبحث اعتیاد جنسی، هیجان و تنظیم هیجان بـه عنـوان عوامـل سـبب‌شناسـی مطرح شده است، و در پژوهش‌های متفاوتی به نقش هیجان خواهی در ایجاد روابط متعدد جنسی اشاره شده است» (علی‌پور، ۱۳۵).

بنابراین تنوع طلبی جنسی، علاوه بر تهدید خانواده، سلامت خود فرد را ممکـن اسـت، تحت تأثیر قرار دهد؛ و از آن‌جا که ائمه اطهـار (علـیهم‌السـلام) مـردان زن‌دار را از نکـاح موقت منع کرده‌اند، به اعتبار حکمت اولی این قانون است؛ در واقع خواسته‌اند بگویند، ایـن حکم برای مردانی که نیاز ندارند، وضع نشده است.

جعفری در تفسیر کوثر تأکید دارد: «ازدواج موقت برای مردانی که خـانواده دارنـد امـری ناپسند است، بنابراین فرهنگ‌سازی در ازدواج موقت از ضروریات است» (جعفری، ۴۰۸/۲).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

و مرحوم عاملی نیز در تفسیر خود از قول ابن عباس مـی‌گویـد: «مـن متعـه را حـلال ندانسته‌ام و فقط برای مردم مضطر که در دسترسی به جایی ندارند» (عاملی، ۳۸۰/۲).

۵ـ نتایج مقاله

۵ـ۱. نکاح متعه نقش مثبت بر مؤلفهٔ معنویت دارد؛ دین اسـلام نیـز برحسـب اضـطرار نسبت به استحباب و وجوب آن حکم داده است.

۵ـ۲. برحسب نظر ائمه (علیهم‌السلام) و مفسران قرآن، جهت خاموش شدن شعلهٔ غریزهٔ جنسی، متعه می‌تواند، نقش مثبتی در ارتقاء رضایت در زندگی داشته باشد.

۵ـ۳. شادی در پی همهٔ نیازهای فرد حاصل می‌گردد، لذا نکاح متعه در مواقع ضـرورت، در ایجاد عزت نفس و هدفمندی زندگی و به تبع آن شادی و لذت حلال مؤثر می‌باشد.

۵ـ۴. با توجه به مذمت تنهایی در دین اسلام، ارتباط مثبت با دیگـران از طریـق نکـاح متعه برای زنان بی‌سرپرست، افرادی که در جنگ یا سفرهای طولانی به سر می‌برند، نقـش مثبتی در پیشگیری ارتکاب گناه دارد، و در رشد و بالندگی فرد مؤثر است.

۵ـ۵. نکاح متعه در صورت اضطرار، این امکان را برای فرد بوجود می‌آورد، تـا بتوانـد بر مشکلات فائق شده و عملکرد روانی بالایی داشته و به مرور رشد و بالندگی خود را در زندگی ارتقاء بخشد.

۵ـ۶. پذیرش خود، با سلامت روان مرتبط است، و در صـورتی کـه افـرادی بـه دلیـل بیماری‌های روانی و دوقطبی نتوانند به ازدواج دائم اهتمام بورزند، مـی‌تواننـد بـا پـذیرش ازدواج موقت علاوه بر بهزیستی روانشناختی، مشکل بوجود آمده را در زندگی حل کنند.

۵ـ۷. با توجه به مذمت نکاح متعه در خصوص مردان متأهل و مذمت آن از سوی امامان (علیهم‌السلام)، در صورت عدم رعایت آن، آسیب‌شناسـی روانشـناختی نکـاح متعـه مطـرح می‌گردد، که موجبات استرس و اضطراب فرزندان خانواده و تهدید آن را بـه دنبـال دارد کـه بعضاً طلاق‌هایی در جامعه صورت می‌گیرد همچنین، در اثر تنوع طلبـی جنسـی و هرزگـی، امامان (علیهم‌السلام) و فقها بر کراهت و حرمت ازدواج موقت، به صدور حکم پرداختند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۴.

۳. ابن زهره، ابوالمکارم، غنیه النزوع ـ کتاب النکاح، تدوین: علی‌اصغر مروارید، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۰.

۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چ سوم، ۱۴۱۴.

۵. احمدوند، زهرا؛ حیدری نسب، لیلا؛ شعیری، محمدرضا؛ «تبیین بهزیستی روانشناختی براساس مؤلفه‌های ذهن آگاهی»، فصلنامه علمی ـ پژوهشی روانشناسی سلامت، ش۲، ۱۳۹۱.

۶. ایمانی راد، لیلا؛ وزیری فرد، محمدجواد؛ «ماهیت متعه زن»، بانوان شیعه، ش۱۹، ۱۳۸۸.

۷. بحرانی، یوسف؛ الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، تحقیق: ایروانی، محمدتقی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی‌تا.

۸. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن علی؛ جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۹. جعفری، یعقوب؛ تفسیر کوثر، قم، هجرت، ۱۳۷۶.

۱۰. حرعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.

۱۱. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتوح؛ آیات الاحکام، تحقیق: اشراقی سرابی، میرزا ولی‌الله، تهران، جاوید، ۱۴۰۴.

۱۲. حسینی همدانی، سیدمحمدحسین؛ تفسیر انوار درخشان، تحقیق: محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴.

۱۳. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، دمشق، دارالعلم الدار الشامیه، چ اول، ۱۴۱۲.

۱۴. رنجبر نوشری، فرزانه؛ بشرپور، سجاد؛ حاجلو، نادر؛ نریمانی، محمد؛ «مقایسه اثر بخشی مداخله مبتنی بر روان‌شناسی مثبت‌نگر و آموزش یکپارچه شایستگی‌های هیجانی بر بهزیستی اجتماعی، هیجانی و روانشناختی»، فصلنامه علمی ـ پژوهشی شناخت اجتماعی، ش۱۲، ۱۳۹۵.

۱۵. ستوده، حافظ؛ شاکری نیا، ایرج؛ قاسمی جوینه، رضا؛ خیراتی، مریم؛ حسینی صدیق، مریم‌السادات؛ «نقش سلامت خانواده و سلامت معنوی در بهزیستی روانشناختی پرستاران»، فصلنامه تاریخ پزشکی، ش۲۵، ۱۳۹۴.

۱۶. سلیگمن، مارتین، نظریه درماندگی آموخته شده و روانشناسی مثبت‌نگر، مترجم: کریمی، رامین، تهران، دانژه، ۱۳۸۹.

۱۷. صفاری‌نیا، م.؛ در تاج؛ «اثر بخشی معنادرمانی گروهی بر امید به زندگی و بهزیستی روانی و اجتماعی سالمندان زن ساکن آسایشگاه‌های شهر دبی»، مجله سالمندی ایران، ش۱۲، ۱۳۹۶.

۱۸. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶.

۱۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق: حسینی، سیداحمد، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چ سوم، ۱۳۷۵.

۲۰. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تحقیق: غفاری، علی‌اکبر، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۰.

۲۱. علی‌پور، فرشید؛ سعیدپور، صابر؛ حسنی، جعفر؛ «بررسی هیجان خواهی در افراد مبتلاء به اعتیاد جنسی، اعتیاد به محرک‌ها، اعتیاد به مواد افیونی و افراد بهنجار»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۲۵ (۱۲۵)، صص ۱۳۵-۱۳۸، ۱۳۹۴.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، چ دوم، ۱۴۰۱.
۲۳. قرشی، سید علی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، چ ششم، ۱۳۷۱.
۲۴. همو، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
۲۵. کرمی نوری، رضا؛ «بررسی عوامل مؤثر بر شادی و بهزیستی دانشجویان»، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، شماره یک، ۱۳۸۳.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۲۷. گنابادی، سلطان محمد؛ ترجمه بیان السعادة فی مقامات العباده، نویسندگان: خانی، رضا؛ ریاضی، حشمت الله؛ تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۳.
۲۸. متقی هندی، علاءالدین؛ کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، چ دوم، ۱۴۰۹.
۲۹. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۳۰. محقق داماد، سیدمصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده ـ نکاح و انحلال آن، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چ‌هفتم، ۱۳۶۵.
۳۱. مدرسی، سیدمحمدتقی؛ تفسیر هدایت، ترجمه: آرام، احمد، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
۳۲. همو، احکام خانواده و آداب ازدواج، ترجمه: آژیر، حمیدرضا، محبان الحسین، تهران، ۱۳۷۹.
۳۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۳۴. مطهری، مرتضی؛ نظام حقوق زن در اسلام، قم، صدرا، چ هشتم، ۱۳۵۷.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ برگزیده تفسیر نمونه، تحقیق: احمد علی بابایی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ سیزدهم، ۱۳۸۲.
۳۶. منصور، محمود؛ روانشناسی ژنتیک، جلد اول، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۸.
۳۷. میرخانی، عزت‌السادات؛ «مرزشناسی در ازدواج موقت»، مطالعات راهبردی زنان، ش۹، ۱۳۷۹.
۳۸. هاشمی، سیدحسین؛ «نقدی بر ازدواج موقت در فقه عامه»، کتاب زنان، ش۳۵، ۱۳۸۶.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.10.6]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]